

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به روح بلند روحانی وارسته، مربی و معلم اخلاق

مرحوم حجت الاسلام والمسلمين

ابوالفضل اسماعیلی

لباس روحانیت در نبرد نمادها

کارکردهای لباس روحانیت

سرشناسه: اسماعیلی سادیانی، مهدی، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور: لباس روحانیت در نبرد نمادها: کارکردهای لباس روحانیت/ مهدی اسماعیلی سادیانی.
مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی هنری طریق معرفت ثقلین، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۵۱-۴-۱-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: روحانیت - پوشاک
رده بندی کنگره: ۱۱/BP/۱۱۳۹۴/الف ۵ پ/۵
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۹۲۲۰۸

لباس روحانیت در نبرد نمادها

کارکردهای لباس روحانیت



به سفارش: مدیریت مطالعات معاونت تهذیب حوزه های علمیه
نویسنده: مهدی اسماعیلی سادیانی
زیر نظر شورای کارشناسی: هادی حسین خانی، کاظم علی محمدی، مهدی محمدی صیفار
حروفچین و صفحه آرا: سمانه کیانی بیدگی
نوبت چاپ: تابستان ۱۳۹۴
چاپ: اول
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰/۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۵۱-۴-۱-۱
ناشر: موسسه فرهنگی هنری طریق معرفت ثقلین
لیتوگرافی، چاپ: نقش، زلال کوثر



مراکز پخش:

قم- صفائیه- کوی ۲۷- پلاک ۱۶
معاونت تهذیب حوزه های علمیه
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۱۶۲
فروشگاه مجازی ۲۴: www.FM۲۴.ir
۰۹۱۹۰۶۵۸۰۵۰

فهرست

۹.....	مقدمه
	■ دلایل تقدس لباس روحانیت
۱۵.....	تحت کفالت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۷.....	عمامه در روایات
۱۹.....	در طول تاریخ چه کسانی این لباس را پوشیده اند؟!
۲۱.....	چرا مقدس؟!
۲۲.....	توجه خاص اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
	■ ضرورت
۲۷.....	نبرد نمادها
۲۹.....	لباس تعهد و تخصص
۳۱.....	ضرورت و عدم ضرورت

- ۳۲..... نشان حاکمیت دین و نظام اسلامی در جامعه
- ۳۳..... خواست من یا خواست مولایم؟
- ۳۵..... آیا فرصت‌ها همیشگی اند؟
- ۳۷..... عوارض فرار از تلبس

■ کارکردهای معنوی

- ۴۱..... لباس محترم و مقدس در فرهنگ دینی
- ۴۳..... تعهدات متقابل من و لباس
- ۴۵..... عطرلباس روحانیت
- ۴۷..... حداقل کارایی
- ۴۹..... انتقال پیام بدون کلام و نوشتار
- ۵۱..... لباس ضد آتش
- ۵۲..... تفاوت اسامی به لحاظ تنوع کارکردها
- ۵۴..... کسب رضایت خداوند به آسانی

■ بایدها و نبایدها

- ۵۹..... ضرورت بالا بردن توان علمی و یادگیری مهارت‌های تبلیغی
- ۶۱..... تغییر مسیر با شیب تند

- ۶۳..... بعد از اصلاح این موارد، لباس بپوشیم
- ۶۴..... لباس اهل علم یا لباس اهل علم و عمل
- ۶۵..... فرد ملبس، باید روحانی باشد
- ۶۷..... طبیب دؤار
- ۶۹..... روحانیت و فعالیت اقتصادی
- ۷۱..... موضع درست در مقابل برخوردهای غلط
- ۷۳..... تلبس زود هنگام
- ۷۴..... مستثنیات تلبس
- ۷۵..... پدیده دوزیستی
- ۷۶..... تفاوت شیک پوشی و تمیزی

■ وسوسه ها و موانع موجود

- ۸۱..... آیا تبلیغ منحصر در لباس روحانیت است؟
- ۸۳..... استواری در عقیده
- ۸۴..... آیا اشتباه، مجوز اشتباه است؟
- ۸۵..... توجیه ها
- ۸۶..... پاسخ توجیه ها

۸۷	وسوسه‌ها
۸۸	پاسخ وسوسه‌ها
۹۱	دستاویزهای فرار از مسئولیت
		■ توقعات
۹۷	توقعات درست مردم از روحانیت
		■ آئین نامه تلبس
۱۱۳	آئین‌نامه‌ی تلبس طلاب حوزه‌های علمیه
۱۱۳	فصل اول: تعاریف و کلیات
۱۱۵	فصل دوم: ضوابط و مقررات
۱۲۰	منابع و مآخذ

مقدمه

در موقعیتی که تمام رسانه‌ها با شدت و حدّت و با ابزارهای ارتباطی مختلف افکار و اذهان جهانیان را نشانه رفته‌اند، در زمانی که جهان غرب و حتی شرق، از بی‌دینی و بی‌هویتی خسته و دست از پا درازتر به دنبال راه و راهنمایی هستند که هویتشان را به آنها نشان بدهد، در عصری که بشریت به سبب عطش حقیقت‌جویی، دست به دامان عرفان‌های ساختگی مثل: «اوشو»، «اکنکار»، «ذن» و «یوگا» شده است، در فضایی که بشریت کاسه‌گدایی‌اش را به دست گرفته و معنویت و معرفت و هویت‌گدایی می‌کند، در بازار آشفته دعوت‌های پولی به مذاهب ساختگی مانند: وهابیت و بهائیت، در زمانی که ادیان، مذاهب و آیین‌های ساختگی، نمادهای باطل‌شان را به جهانیان عرضه می‌نمایند و خلاصه در میدان نبرد نمادها، آئین‌ها و مذاهب؛ نمادی مقدس و برتر، ساده و در دسترس و در عین سادگی سازگار با فطرت، کارآمد و مؤثر، آرام‌بخش و معنوی به میدان مبارزه آمده و «هَلْ مِنْ مُبَارَزٍ» می‌طلبد.

این نماد با پشتوانه نبوت و اعتبار هزار و چند صدساله و به عنوان آخرین و



کامل‌ترین دین، در مقابل تمام مدعیان پیشین و بعضاً دروغین قد علم کرده و موفقیتش آن قدر چشمگیر بوده است که تمام مدعیان را نگران کرده است؛ به شکلی که با چنگ و دندان و زور و زور کمر به شکستن آن بسته‌اند.

اگر قبول کردیم که نبرد عصر حاضر، نبرد نمادهای دینی و اعتقادی است؛ بنابراین روحانیت عالم و فاضل، باید با کمک «نماد» محترم مذهب حق‌هی تشیع یعنی «لباس ارزشمند روحانیت»، به ترویج معارف ناب اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام پردازد و از حریم اعتقادات و معارف اسلام دفاع نماید.

نوشته حاضر تلاشی است برای معرفی این نماد مقدس؛ نمادی که دارای پیشینه تاریخی طولانی و کارکردهای معنوی بسیاری است. اما این نماد باید و نبایدهایی دارد و توقعاتی را به وجود می‌آورد که لازم است به کارگیرندگان آن مراعات کنند و موانع آن را برطرف نمایند. در این کتاب به موارد مذکور پرداخته می‌شود. در پایان از آقای مهدی اسماعیلی که کتاب حاضر به همت وی تدوین شده است، تقدیر و تشکر می‌شود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین
مدیریت مطالعات تربیتی فرهنگی
معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه





دلایل تقدّس
لباس روحانیت

تحت کفالت امیرالمؤمنین

علامه طباطبائی رحمته الله نقل می‌کند:

در نجف اشرف هم‌زمان با جنگ جهانی، کمک هزینه‌ی ما از تبریز قطع شد و مدتی گذشت و پولی نرسید و ما هم نسیه می‌کردیم و روزگار می‌گذرانیدیم، تا این‌که دیگر رویمان نمی‌شد نسیه کنیم. نگران بودیم که این وضع تا کی ادامه پیدا خواهد کرد.

در همین اوضاع و احوال بود که روزی شخصی آمد درب منزل و گفت: «آقا فرمودند که هفده سال یا هجده سال تحت کفالت ما هستید. شما نگران نباشید، زندگی شما تأمین خواهد شد»^۱.

من فکر کردم که این تاریخ هفده سال یا هجده سال به چه مناسبتی است؟! از زمان مرحوم شدن پدرم؟ تاریخ تطبیق نمی‌کرد. از زمانی که به نجف آمدیم؟ درست در نمی‌آمد.

مدتی فکر کردم تا فهمیدم تنها موردی که صدق می‌کند، مسأله‌ی ملبس شدنم است که هفده سال یا هجده سال از آن می‌گذرد و منظور از کلام آقا، مبنی بر این‌که

۱. آقا هم به نظم امیرالمؤمنین رحمته الله آمد.

تحت کفالت امیرالمؤمنین علیه السلام هستم، تلبس به لباس مقدس روحانیت و معتم
شدنم بوده است.^۱
قابل توجه طلابی که شرایط را دارند، ولی از قرار گرفتن تحت کفالت
اهل بیت علیهم السلام گریزانند!

۱. پگاه حوزه، ۲۰ آبان ۱۳۸۵، شماره ۱۹۵.



عمامه در روایات

قال رسول الله ﷺ:

«إِنَّ الْعِمَامَ سِمَاءُ الْإِسْلَامِ وَهِيَ حَاجِزَتَيْنِ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُشْرِكِينَ.»^۱
به درستی که عمامه، نشانه‌ی اسلام و فاصله‌ی میان مسلمانان و مشرکان است.

قال رسول الله ﷺ:

«أَمَّا الْعِمَامَةُ فَسُلْطَانُ اللَّهِ.»^۲

عمامه نشان سلطنت خداوند [بر ذهن و جان انسان] است.

قال رسول الله ﷺ:

«تَعَمَّمُوا تَزِدَادُوا حِلْمًا.»^۳

عمامه به سر کنید تا بردباری شما زیاد شود.

قال رسول الله ﷺ:

«لَا تَرْتُلْ أُمَّتِي عَلَى الْفِطْرَةِ مَا لَيْسُوا الْعِمَامَ عَلَى الْقَلَانِسِ.»^۴

۱. طبری، مناقب امیرالمؤمنین ﷺ، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳، ح ۴۸.

۳. ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۹۶.

۴. متقی، کنز العمال، ح ۴۱۱۴۸ و ۴۱۱۴۲.



امت من تا آن‌گاه که عمامه بر روی عرقچین می‌پوشد، بر فطرت [و اصالت دینی اش] باقی است.

قال رسول الله ﷺ:

«إِنَّ اللَّهَ أَيَّدَنِي يَوْمَ بَدْرٍ وَحُنَيْنٍ بِمَلَائِكَةٍ مُّعَمَّمِينَ»^۱

خداوند مرا روز جنگ بدر و حنین به فرشتگانی که معمم بودند، یاری کرد.

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۹۹.



در طول تاریخ چه کسانی این لباس را پوشیده اند؟!

به طور قطع، این جمله‌ی معروف را شنیده‌اید که:

«شَرَّفُ الْمَكَانِ بِالْمُتَكِينِ.»

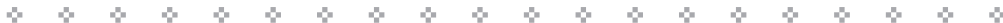
ارزش هر مکان به ارزش فردی است که در آن مکان قرار گرفته است.

غار حرا به دلیل نزول وحی، و حضور رسول خدا ﷺ و مدینه‌النبی، به برکت گام‌ها و نفس‌های رسول اکرم ﷺ و ستون حنانه به سبب تکیه‌گاه بودن برای رسول رحمت و حتی خاک جبهه‌های ایران به سبب مجاهدت‌های رزمندگان اسلام، همه و همه (به سبب انتساب به انسان‌های بزرگ)، مقدس و محترم شمرده می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ارزش‌گذاری يك لباس و پوشش این است که چه گروه و صنف و انجمنی و براساس چه ایده و عقیده‌ای آن را انتخاب کرده و می‌پوشند.

لباس روحانیت از آن جهت که نشانگر دین، آیین، روش و منش رسول اکرم ﷺ می‌باشد، منسوب به ایشان است. از طرفی، گروه‌ها و افرادی که این لباس را بر تن کرده‌اند، علما، فقها و مبلغان دین اسلام بوده‌اند و با عقیده‌ی ترویج دین خدا آن را انتخاب کرده‌اند.

این لباس را علما و بزرگانی چون شیخ بهایی، علامه مجلسی، شیخ حر



عاملی، شهید اول، شهید ثانی، ملامهدی نراقی، ملااحمد نراقی، فیض کاشانی، سیدحسن مدرس، کاشف الغطاء، شیخ عباس قمی، سیدعلی قاضی طباطبایی، شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله بروجردی، آیت الله شاه آبادی، علامه طباطبایی، امام خمینی، آیت الله بهجت، آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی، شهید مطهری رحمته الله علیه و هزاران عالم عامل متقی زاهد به تن کرده اند. آیا همین که چنین افرادی این لباس را به تن کرده اند، برای اثبات تقدس و ارزش این لباس کافی نیست؟



چرا مقدس؟!

می‌گفت: این که لباس ارزشمندی است، درست؛ اما چرا می‌گویید
لباس مقدس؟
گفتم:

لباس تبلیغ معارف ناب دین اسلام؛

لباس تبلیغ و ترویج مذهب جعفری؛

لباس سربازی امام زمان علیه السلام؛

لباس روضه خوانی امام حسین علیه السلام؛

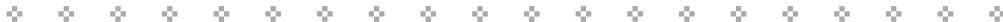
لباس موعظه، پند و نصیحت و اصلاح؛

لباس یاد خدا، معاد، قیامت، بهشت و جهنم؛

لباس ترویج گفتار و کردار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام؛

لباس ترویج نیکویی، و ثواب و ترک گناه؛

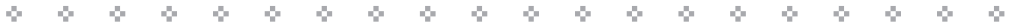
این همه امتیاز و کارکرد برای تقدس يك لباس کافی نیست؟



توجه خاص اهل بیت علیهم السلام

مگر می شود اهل بیت علیهم السلام به عالمی که جوانی اش را برای تزکیه‌ی نفس و کسب علم و معارف دین هزینه کرده؛
به مبلغی که متلک و نیش و کنایه‌ها را به جان خریده و مجاهدانه به تبلیغ دین پرداخته؛

به عالم فاضلی که عمرش را برای اصلاح خود و جامعه مصرف کرده؛
به واعظی که برای ترویج منش و کلام اهل بیت علیهم السلام وعظ و سخنرانی نموده؛
و به سربازی که انتظار ولی موعود را فریاد می زند؛
عنایت نکنند؟ برایش دعا نکنند؟ برایش طلب عافیت نکنند؟
رشد و موفقیتش را از خداوند متعال تقاضا نکنند؟
و مگر می شود دستش را بگیرند؟





ضرورت

نبرد نمادها

میدان، میدان نبرد است؛ نبردی سهمگین و طاقت فرسا...؛
 گرد و غبار نبرد همه جا را فرا گرفته است...؛
 تبلیغات گسترده‌ی کشیش‌های مسیحی با بهره‌گیری از ابزارها و وسایل پیشرفته
 و با شدت و جدّت هرچه تمام‌تر...؛
 تبلیغ و ترویج بیش از پیش وهابیت و توزیع گسترده‌ی تبلیغات ماهواره‌ای
 آن در جهان...؛
 ترویج گسترده‌ی عرفان‌های دروغین و مکاتب منحرفِ شهوت‌پرست، مثل
 اوشو و اکنکار و...؛
 رژه‌ی مروّجان شیطان‌پرستی در خیابان‌ها با پوشش مخصوص و نمادهای خاص؛
 ترویج پوشش‌ها و آرایش‌های نامتعارف و ناشناخته‌ی وارداتی برگرفته از افکار
 انحرافی غربی؛
 همه و همه، نشان‌دهنده‌ی یک نبردی جدی و چندجانبه است.
 در واقع میدان، میدان مبارزه‌ی نمادهاست و هر گروه و فرقه و مذهب، به حق
 یا ناحق، افکار، عقاید، آیین و مذهب واقعی یا ساختگی خودش را تبلیغ می‌کند.



در این آشفته بازارِ نبرد نمادها، حضور نماد قدسی و برتر مذهب تشیع، یعنی «لباس مقدس روحانیت» برای شکست هیمنه‌ی پوشالی مکاتب و آیین‌های ساختگی ضروری است.

حوزه‌ی علمیه به عنوان مدافع اسلام ناب در این میدان نبرد، باید نمادی را به میدان آورد که برترین باشد؛ نمادی با قدمت بیشتر، مفاهیم رساتر و در یک کلام، قدسی و کامل.

این جاست که طلبه‌ی علوم دینی، با برترین و قدسی‌ترین و ماندگارترین نماد اسلامی، یعنی لباس روحانیت، وارد میدان مبارزه‌ی فرهنگی می‌شود؛ نمادی که مبلغ گفتار و کردار و آموزه‌های وحیانی پیامبر اعظم ﷺ است و مظهر معنویت و علم ایشان و نشانگر اعتقاد به جدا نبودن دیانت از سیاست.



لباس تعهد و تخصص

مراجعه به متخصص میان مردم يك مسأله‌ی جا افتاده و تقریباً یک ضرورت است؛ بنابراین نسخه‌های درمانی را فقط از پزشك قبول می‌کنند و اگر عیناً همان نسخه را فرد دیگری تجویز کند، نمی‌پذیرند؛ همان‌گونه که دستورات راهنمایی و رانندگی را فقط از پلیس قبول می‌کنند.

این مسأله در مورد روحانیت نیز صادق است؛ یعنی مردم روحانی را متخصص و کارشناس مسائل دینی می‌شناسند و سؤالات اخلاقی، شرعی و اعتقادی خود را فقط از او می‌پرسند؛ پس پوشیدن لباس روحانیت، یعنی پوشیدن لباس تعهد و تخصص در مسائل شرعی و اعتقادی و دینی.

کارشناسان و متخصصان و اصناف مختلف، هر کدام به تناسب شغلشان پوششی را انتخاب می‌کنند؛ بدین گونه که پزشك، سرباز، پلیس، کشیش، نظامی و... هر کدام پوششی متفاوت از دیگری دارند و با آن، خود و تخصصشان را از دیگران متمایز می‌کنند.

روحانی نیز به تناسب تعهد و تخصص در مسائل دینی و مذهبی، لباس تعهد و تخصصش (کارشناسی مسائل دینی، معنوی، عقیدتی، احکامی و...) را به



تن می‌کند تا مردم در هنگام نیاز، به راحتی بتوانند او را شناخته و به این صنف دسترسی داشته باشند.

بدیهی و مسلم است که پوشیدن لباس تعهد و تخصص توسط يك روحانی، نقش فراوانی در پذیرش رهنمودها و توصیه‌های فقهی، اخلاقی و اعتقادی این گروه توسط مردم دارد.



ضرورت و عدم ضرورت

می‌گفت: هنوز نمی‌دانم پوشیدن این لباس برای من ضرورت دارد یا نه؟

گفتم: با وجود

سم‌پاشی‌های خانمان سوز ماهواره‌ها؛

طوفان‌های سهمگین اینترنت؛

سونامی ویرانگر اختلاط زنان و مردان؛

طاعون روزافزون افزایش طلاق؛

تراژدی تهوع‌آور دنیاگرایی و اشرافی‌گری؛

تراکم پرخاشگری و بی‌تقوایی؛

غوغای عرفان‌های دروغین و ساختگی و...؛

و تشنگی جهانیان برای دریافت معارف ناب دینی از سوی دیگر؛ چگونه

می‌توانی ضرورت پوشیدن این لباس را انکار کنی؟

با توجه به این موارد، آیا باز هم در ضرورت تلبس به لباس ترویج معنویت و معارف

اهل بیت علیهم‌السلام ترویج زندگی صحیح مبتنی بر آموزه‌های وحیانی تردید داری؟

لحظاتی سکوت کرد و بدون گفتن کلمه‌ای سرش را پایین انداخت و رفت!



نشان حاکمیت دین و نظام اسلامی در جامعه

وقتی کوه نوردان قله ای را فتح می کنند، پرچمی را با نام و نشان و ملیت و هویت خود و به نشانه ی فتح و پیروزی، بر فراز آن قله نصب می نمایند تا نشان دهنده ی هویت فاتحان قله باشد.

انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و دست رد زدن ملت بزرگ ایران بر سینه ابرقدرت های شرق و غرب، به رهبری و زعامت یک عالم دینی، یعنی امام خمینی رحمته الله علیه بود. ادامه رهبری و اداره این نظام الهی نیز به دست با کفایت یک عالم دینی (مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه العالی) است.

بنابراین وقتی قرار است ندای حاکمیت نظام دینی مبتنی بر رهبری مرجعیت تشیع در کشوری طنین انداز باشد، ضروری است که نمادهای شاخص آن (یعنی لباس روحانیت) به عنوان پوشش اندیشوران، مروّجان و مبلّغان دینی و نظام اسلامی تشیع، در جای جای این کشور حاضر و مطرح باشد و حضور و نمایش این پرچم، نباید هیچ گاه کم رنگ بشود که با کم رنگ شدن آن، حاکمیت دینی هم کم رنگ می شود. طلاب و روحانیان نباید بگذارند پرچم حاکمیت نظام دینی بر زمین بیفتد.



خواستن من یا خواست مولایم؟

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

وقتی عاشق کسی می‌شوی، وقتی کسی را دوست می‌داری، وقتی با او مأنوس و هم‌نشین و هم‌فکر می‌شوی، به زودی رفتار و کردارت نیز همانند او می‌شود، تمایلات و خواسته‌هایت رنگ و بوی او را به خود می‌گیری، نیازهایت مانند او، دغدغه‌هایت همسان او و خلاصه این‌که همه چیزت شبیه او می‌شود و چه زیباست که اگر کسی بنا گذاشت عاشقی کند، در همه امور (رفتار، کردار، گفتار و حتی لباس پوشیدنش) مطابق خواسته‌ی محبوب و مرادش عمل کند و به اصطلاح هرچه را که جانان می‌پسندد، او نیز پسندد.

سؤال این است طلبه‌ای که عاشق و محبّ اهل بیت علیهم‌السلام و امام زمان علیه‌السلام است و سنگ سربازی ایشان را به سینه می‌زند، آیا آن‌چه را جانانش می‌پسندد، می‌پوشد یا آن‌چه را دلش (نفسش) می‌خواهد؟!



واقعاً امام زمان علیه السلام برای طلبه‌ای که چندین سال بر سر سفره‌ی ایشان نشسته و از خون کرم ایشان ریزه‌خواری کرده است، چه چیزی را توقع دارند؟ سکوت و رکود یا تلبیس به لباس منسوب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله؟ معادله، معادله ساده‌ای است و پاسخ نیز مشخص و واضح!



آیا فرصت‌ها همیشگی‌اند؟

برخی از طلاب فکر می‌کنند همیشه فرصت تبلیغ دین خدا فراهم خواهد بود؛ همیشه سلامت خواهند بود؛ همیشه شرایطشان مناسب خواهد بود؛ همیشه در قید حیات خواهند بود؛ و به همین دلایل، برای سبقت در انجام کارهای خیر انگیزه‌ای ندارند، تعجیل نمی‌کنند و به اصطلاح قلبشان برای برداشتن بارهای به زمین مانده‌ی امام عصر علیه السلام تندتر نمی‌تپد و به این نکته توجه ندارند که عمر طلبگی هم، مثل عمر همه‌ی افراد و اصناف دیگر در گذر است و فرصت و شرایط تبلیغی نیز متغیر و محدود و گذرا؛ بنابراین آن قدر تلبس را به تأخیر می‌اندازند و صبر می‌کنند که وقتی چشم باز می‌کنند، می‌بینند محاسنشان سپید و فرصت‌هایشان از دست رفته و اطرافشان را فرزندان و دغدغه‌های مربوط به معیشت فرا گرفته است و دیگر توان و حوصله‌ی تلبس و تبلیغ را ندارند.

مگر نه این است که در فرهنگ دینی ما توصیه شده است که در امور خیر سبقت بگیرید،^۱ پس وقتی معلوم نیست فرصت‌ها و موقعیت‌ها ماندگار باشند و

۱. وَتَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَحَنَّةٍ يُعْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است بشتایی د. (آل عمران، ۱۳۳)



قابل تکرار (به ویژه در مورد مسائل معنوی و تبلیغی)، ضروری است قدر فرصت های پیش رو را بدانیم و در زمان مناسب ملبّس به لباس تقوا بشویم. راستی حواسمان به این نکته باشد که ما ملبّس بشویم یا نشویم، تلاش بکنیم یا نکنیم، دین اسلام قطعاً جهان را فرامی گیرد و بُرد از آن کسی است که در این فرآیند جهانی شدن سهمی داشته باشد و برای امام زمانش کاری کرده باشد. کسانی که شرایط تلبّس را دارند، همین امروز اقدام کنند و آنان که ندارند، در اسرع وقت شرایطش را فراهم کنند.



عوارض فرار از تلبس

وقتی طلبه‌ی دارای شرایط، از تلبس می‌گریزد، باید به پیامدهای عملش توجه داشته باشد:

کم‌رنگ کردن حضور روحانیت در جامعه (حتی به میزان يك نفر)؛
 کوتاهی در مقابله با تبلیغات دشمن (ماهواره‌ها، سایت‌های مخرب، رسانه‌ها و...)
 کمک به سلطه‌ی علمی و فرهنگی استکبار؛
 هدر دادن یا عدم استفاده از فرصت‌های تبلیغی؛
 هزینه کردن بیت‌المال و سهم امام زمان علیه السلام بدون بازدهی مورد نظر؛
 بی‌تفاوتی نسبت به کارهای به زمین مانده‌ی امام عصر علیه السلام؛
 فرار از مسئولیت و تردید در تحمل سختی به خاطر دین خدا و...
 این‌ها تنها بخشی از پیامدهای عدم پذیرش و امتناع از تلبس توسط يك طلبه‌ی دارای شرایط است.
 آیا کسی هست که متوجه آسیب این پیامدها باشد و ملبس نشود؟!





کارکردهای معنوی

لباس محترم و مقدس در فرهنگ دینی

در هر فرهنگی، پوشش یا پوشش‌های محترم و مقدسی وجود دارد که صاحبانش را به دلیل توانمندی‌هایشان از دیگران متمایز می‌کند.

در فرهنگ مانیز براساس آموزه‌های دینی و ارزشی، برخی پوشش‌ها محترم و مقدس شمرده شده‌اند؛ البته این تقدس و احترام برای لباس و پوشش‌هایی است که:

اصالت داشته باشد؛

منسوب به فرد یا افراد محترم و مقدس باشد؛

باوقار و کامل باشد؛

قدسی و آرامش‌بخش باشد؛

خنثی و بی‌هویت نباشد؛

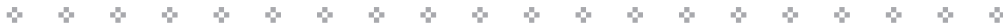
انرژی مثبت معنوی داشته باشد و انسان را به یاد خدا بیندازد؛

نشان‌دهنده‌ی افکار و عقاید ارزشمند صاحب آن باشد؛

متعلق به دانشمندان و فرهیختگان باشد؛

پوشیدن آن رضایت‌پروردگار را به دنبال داشته باشد؛

پاک و مقدس و از آلودگی‌ها به دور باشد؛



وقتی این ملاک‌ها را جمع می‌زنیم و لباس روحانیت را با این ملاک‌ها می‌سنجیم، می‌بینیم این لباس، تمام این امتیازها را یک جا در خود جای داده است و بنابراین محترم و مقدس است. پس چه نیکوست که قدرش را بدانیم و حقش را ادا کنیم و نسبت به آن مسئولیت‌پذیر باشیم، نه مسئولیت‌گریز.



تعهدات متقابل من و لباس

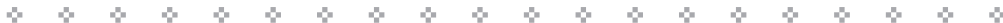
من لباس روحانیت و معنویت را بر تن می‌کنم و نسبت به حضور پرننگ آن در جامعه اقدام می‌کنم؛ و در مقابل، لباس، مرا در جامعه به عنوان سرباز امام عصر^{علیه السلام} معرفی می‌کند.

من نماد دین اسلام و به خصوص مذهب تشیع را به تن می‌کنم؛ و در مقابل، پوشیدن این لباس سبب می‌شود تا بهترین خلق خدا، یعنی امام زمانم برایم دعا کند.

من در مقابل متلک‌ها و نیش و کنایه‌ها، لباس تبلیغ کردار و گفتار اهل بیت^{علیهم السلام} را کنار نمی‌گذارم؛ و لباس هم مرا در روز حساب به عنوان همکار پیامبران معرفی می‌نماید. من شئون لباس را رعایت می‌کنم و حرمت آن را نگه می‌دارم؛ و در مقابل، لباس به من وقار و متانت و احترام می‌بخشد.

من از انجام کارهایی که در شأن لباس نیست، پرهیز می‌کنم؛ و در مقابل، لباس روحانیت مرا از تجرّی آشکار و پا گذاشتن به هر مکان آلوده‌ای منع می‌کند. من لباس روحانیت را به عنوان همراه همیشگی، تا آخر عمر انتخاب می‌کنم؛ و در مقابل، لباس، وجدان و باطن مرا همیشه بیدار نگه می‌دارد.

من لباس روحانیت را معطر و زیبا انتخاب می‌کنم؛ و در مقابل، لباس به من



احترام و تکریم هدیه می دهد.

من با پوشیدن این لباس، خودم را وقف طلبگی و تبلیغ دین می نمایم؛ و در عوض، لباس علم، روزی مرا از پیش تأمین می کند.^۱
 من لباس روحانیت را با تمام وجود دوست می دارم؛ و در مقابل، لباس به حفظ روحانیت و معنویت کمک می کند.

این است تعامل من با لباس تبلیغ دین خدا و سربازی امام عصر علیه السلام.^۲

۱. پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله می فرمایند: خداوند متعال به ویژه، عهده دار رزق و روزی طالب علم می باشد. (شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۶۰)

۲. درست است که لباس پارچه ای بیش نیست، اما وقتی روح در جسمی دمیده می شود، آن جسم هم صاحب اثر می شود؛ چنانچه جسد انسان هیچ اثری ندارد و وقتی روح در آن دمیده می شود، صاحب اثر می شود.



عطرلباس روحانیت

لحظه‌ها و خاطره‌هایی در زندگی هست که آثار ماندگاری در ذهن انسان بر جای می‌گذارد.

لحظه‌ی استشمام بوی خاک خشک باران خورده در یک هوای بهاری، وقتی قطرات باران صورت خشک خاک را می‌نوازد و صحنه‌های زیبایی را به تصویر می‌کشد؛ خاطره‌ی اولین سفر به خانه‌ی خدا، وقتی دیدگان مشتاق برای اولین بار به خانه‌ی با عظمت کعبه می‌افتد؛

اولین باری که در کربلای معلی، قدم به بین‌الحرمین می‌گذارید؛

یا اولین سفری که به زیارت حرم باصفای امام رضا علیه السلام مشرف می‌شوید و...
این لحظات، شیرین‌ترین و ماندگارترین لحظاتی هستند که به هر مناسبت و اندک بهانه‌ای آن‌ها را به یاد می‌آوریم و یاد و خاطره آن را تداعی می‌کنیم.
برای مردم، مشاهده‌ی یک عالم متقی با لباس روحانیت، تداعی‌گر عطر حضور خداوند، معاد، قیامت، نیایش و توبه است و خاطره‌ی ولادت‌ها و شهادت‌های اهل بیت علیهم السلام و روضه‌های امام حسین و حضرت ابوالفضل علیه السلام و روایت‌گری‌های حضرت زینب و امام سجاد و علی اصغر و علی اکبر علیهم السلام را برایشان زنده می‌کند.



مردم با دیدن يك عالم وارسته، بی درنگ به یاد اُسوه‌هایی مانند: شیخ بهایی، شهید اول، شهید ثانی، علامه طباطبایی، شیخ حر عاملی و امثال ایشان می‌افتند که این لباس مقدس را پوشیدند و آیین و روش و منش رسول خدا ﷺ را ترویج نمودند. مردم با دیدن این لباس بر قامت طلاب مهذب، تمام این خاطره‌ها را در ذهن‌هایشان مرور می‌کنند؛ فقط کافی است که روحانی، روحانی باشد



حداقل کارایی

آن‌گاه که زلیخا می‌خواست حضرت یوسف علیه السلام را در دام خود گرفتار سازد، ناگهان نگاهش به بُتی افتاد که آن را می‌پرستید؛ پس پارچه‌ای بر روی آن انداخت تا به گمان خویش، نگاهش را از نگاه معبودش پنهان دارد؛ مبادا که معبودش از او دل‌آزرده شود.

این اتفاق، حضرت یوسف علیه السلام را بیش از پیش متوجه حضور خدا نمود و به پروردگارش پناه برد و کمک خواست و از دام شیطان رهید و رستگار شد. یادآوری حضور خداوند در هر زمان و مکانی و با اسباب و واسطه‌های مربوط، می‌تواند سبب توجه و حفظ خداپرستان و متدینان از غفلت باشد.

بنابراین هرچیز و هر کس که جهت‌نمای انسان به سمت خدا بشود و انسان را متوجه ناظر و حاضر بودن خدای متعال کند، هرآن‌چه که انسان را متوجه خوبی‌ها و ارزش‌ها کند و از پلیدی‌ها و گناهان دور نماید و غبار غفلت را از دل و جان انسان بزداید، ارزشمند است.

وقتی دیدن بتی (که نماد بدلی پرستش است) یادآور حضور معبود می‌شود، به طریق اولی لباس روحانیت (که نماد واقعی تبلیغ شریعت نبوی و علوی است)



سبب یادآوری خدای حاضر و ناظر و توجه به معاد، قیامت، حساب و کتاب و در نتیجه دور کردن مردم از گناه می شود.

این حداقل تأثیر حضور يك روحانی ملبّس در جامعه است ...



انتقال پیام بدون کلام و نوشتار

کارشناسان علوم ارتباطات، فارغ از تبلیغات گفتاری و شنیداری رایج، به نوعی تبلیغ معتقدند که کاملاً متفاوت است؛ یعنی از جنس کلام و نوشتار و گفتار نیست، اما واضح و گویا و در انتقال پیام، مؤثر و حتی گاهی تأثیرش بیش از تبلیغ گفتاری و نوشتاری است. آن‌ها به این نوع تبلیغ، پیام‌رسانی زبان بدن می‌گویند. زبان بدن شامل انتخاب شیوهی پوشش و آرایش و چگونگی حرکات و سکنات و رفتارهای هر فرد می‌شود که بسته به نوع و جنس هر کدام، معنا و مفهوم پیام نیز تغییر می‌کند. این ابزارهای تبلیغی خاموش در واقع، بدون این‌که سخنی بگویند، افکار و عقاید و سلیق و سلايق فرد را به‌طور واضح به نمایش می‌گذارند و آن را تبلیغ و ترویج می‌کنند.

نوع پوشش، راه رفتن، خندیدن و دست دادن، تمیز و مرتب بودن، گشاده‌رویی، نحوه‌ی توجه به دیگران، لبخند و اخم و تغافل کریمانه‌ی یک روحانی، همه و همه

۱. قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَالْوَرَعَ؛ ابن‌ابی‌یعفور گوید: امام صادق ﷺ به من فرمود: مردم را به غیر از زبان‌تان دعوت به دین کنید، تا سعی و کوشش و درستی و پرهیزگاری و خویش‌نمندی را از شما مشاهده کنند. (شیخ عباس قمی، سفینه‌البحار، ج ۸، ص ۴۳۹)

از مصادیق تبلیغ کرداری هستند که بی سروصدا، تأثیر خود را به جای می‌گذارند. اما نکته‌ی قابل توجه این است که جدای از تبلیغ گفتاری و نوشتاری و کرداری، حضور لباس روحانی در اجتماع، با توجه به ذهنیت و پیشینه‌ی معنوی آن به خودی خود پیام دارد؛ کارکرد دارد؛ تبلیغ می‌کند؛ جذب می‌کند؛ محبت می‌آورد؛ امید می‌دهد؛ به یاد خدا می‌اندازد؛ به یاد قیامت می‌اندازد؛ به فکر و امی دارد؛ به توبه تشویق می‌کند و بدون کلام با دیگران سخن می‌گوید.



لباس ضد آتش

مردم برای حفظ خویش از سرما، لباس گرم؛ و سربازان برای حفظ جان خود در میدان نبرد، کلاه نظامی؛ و غواصان برای رفتن به زیر آب، جلیقه‌ی ضدآب؛ و آتش‌نشانان برای محافظت خود از شعله‌های آتش، لباس ضدحریق می‌پوشند؛ یعنی افراد متفاوت در موقعیت‌های مختلف برای حفظ خود، لباس‌های متفاوتی می‌پوشند.

یک روحانی نیز برای محافظت از خود و دیگران در برابر وسوسه‌ها و مکرهای شیطانی و حيله‌های ابلیس، لباس تقوی و معنویت و تبلیغ دین را می‌پوشد تا با یادآوری حضور خداوند و معاد و قیامت، خود و دیگران را از شر شیاطین و وسوسه‌های شیطانی و آتش جهنم حفظ نماید.

مسلم این است که شیطان و بلکه شیاطین انسی و جنی و دشمنان اسلام و نظام اسلامی از این لباس خوششان نمی‌آید و برای تخریب آن دست به هرکاری می‌زنند؛ بنابراین باید حواسمان جمع باشد و مواظب باشیم...!



تفاوت اسامی به لحاظ تنوع کارکردها

حجت الاسلام، ثقة الاسلام، آیت الله، عالم، عارف، آخوند، ملا، شیخ، روحانی، طلبه، واعظ، مبلغ... هریک کارکرد و بار معنایی خودشان را دارند: آخوند: مخفف اصطلاح «آقا خوند» است؛ یعنی آقایی که می تواند بخواند.^۱ مُلّا: درس خواننده و باسواد است.^۲ منظور کسی است که زیاد می داند. واعظ: پند دهنده است؛ کسی که دیگران را موعظه می کند. شیخ: بزرگ گروه و معتمد قوم را گویند.

۱. معنای «آخوند»: در کتاب «دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه» آمده است: آخوند، واژه ای فارسی به معنی دانشمند، پیشوای دینی و معلم. درباره اشتقاق این کلمه آراء مختلف آورده اند: پاؤل هرن در «اساس اشتقاق فارسی» آن را از پیشوند «آ» + «خواند» (از فعل خواندن) مرکب دانسته (ص ۳)؛ محمد قزوینی جزء اول کلمه را مخفف «آقا» گفته (یادداشت ها، ۱/۱) و دهخدا نیز آن را مخفف «آغا»، و «خوند» را مخفف «خداوندگار» و «عالم و طالب علوم دینی» دانسته است (لغت نامه)... هیچ یک از این اشتقاقات خالی از اشکالات تاریخی و زبان شناسی نیست و هنوز توافق کلی بر سراسر اصل و ریشه این کلمه حاصل نشده است. نخستین مورد کاربرد واژه آخوند در ایران، به مثابه عنوانی احترام آمیز برای روحانیون دانشمند، به دوره تیموریان مربوط می شود، چنانکه امیر علی شیر نوایی استاد خود مولانا فصیح الدین نظامی (د ۹۱۹ق/ ۱۵۱۳م) را به سبب دانش گسترده اش در علوم معقول و منقول و ریاضیات، آخوند خطاب می کرده است (خواندمیر، ۳۵۲/۴، ۳۵۳).
۲. معنای «مُلّا»: در لغت نامه دهخدا، به معنای «لقب استاد و معلم، خواه مرد باشد و یا زن» و در لغت نامه عمید «درس خواننده و باسواد» آمده است.

روحانی: شخصی که بیشتر همت و عزمش صرف امور معنوی و روحانی می شود.
 طلبه: کسی که خواستار و طالب علم دین باشد.

حجت الاسلام: کسی که حجت، نشانه و نماد اسلام است.

ثقة الاسلام: کسی که مورد اعتماد و وثوق اسلام و مسلمانان است.

آیت الله: کسی که نشانه و جهت نمای به سوی خداوند است.

عارف: کسی که به مسائل دینی معرفت پیدا کرده یا در عرفان دستی دارد و...

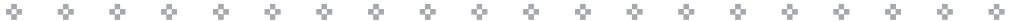
بعد از مرور این اسامی اکنون به راحتی می توان فهمید که هر کدام از این اسامی، شأنی از شئون طلبگی و حوزوی را بیان می کنند و تعدد اسامی نیز به دلیل تعدد شئون و به تناسب کارایی افراد می باشد و در این میان یکی را به سبب غلبه روحیه ی معنوی «روحانی» و دیگری را به سبب مقام علمی «آیت الله» و فردی را به سبب روضه خوانی «آخوند» و طالب علوم حوزوی را «طلبه» و شخصی که در علوم دینی باسواد است را اصطلاحاً «ملا» می گویند.

شاید برای يك طلبه و عالم دینی تفاوت چندانی نداشته باشد که او را با کدام اسم صدا بزنند؛ مهم این است که روحانی به تمام این موارد، یعنی معنویت، علم، تبلیغ و تهذیب توجه داشته و از هر کدام به میزان لازم توشه ای برگرفته باشد.



کسب رضایت خداوند به آسانی

بعضی کارها ساده و راحتند، ولی برکاتشان ماندگار است:
 خواب و استراحت ماه مبارک رمضان در انتظار افطار؛
 وضوی مستحبی قبل از رفتن به رختخواب؛
 به همراه داشتن حرز یا انگشتری (که توصیه‌ی دین باشد)؛
 پوشیدن لباس روحانیت و قدم زدن در جامعه با نیت یادآوری حضور خداوند
 برای مردم؛
 همه‌ی این‌ها کارهایی کم هزینه و به ظاهر کوچک هستند که انجامشان ساده
 و راحت، ولی در عالم معنا مطلوب خالق و سبب خشنودی ذات اقدس الهی‌اند.
 سعی کنیم این کوچک‌های بزرگ را دست‌کم نگیریم.





بایدها
و
نبایدها

ضرورت بالا بردن توان علمی و یادگیری مهارت‌های تبلیغی

نه می‌توان تلبّس را آن قدر سخت جلوه داد که کمتر طلبه‌ای جرأت کند به سمت آن برود و نه می‌توان آن قدر آن را آسان شمرد که هر طلبه‌ای، در هر سن و وضعیت علمی بخواهد آن را از سرتفتن تجربه نماید؛ ولی آن چه مشخص است این است که برای ملتبّس شدن، احراز برخی شرایط علمی و تبلیغی مورد نیاز است.

شاید بتوان یکی از دلایل اضطراب قبل از تلبّس را پیش‌بینی نکردن نیازهای زمان تلبّس در سال‌های ابتدایی تحصیل در حوزه دانست.

وقتی طلبه در سال‌های ابتدایی تحصیل، مطالعات علمی و اطلاعات جنبی و مرتبط با تبلیغ را کسب نکرده باشد، طبیعی است هنگام لزوم تلبّس، از پذیرش نقش تبلیغی طفره می‌رود؛ بنابراین لازم است هر طلبه قبل از تلبّس، توانمندی‌های مرتبط با آن را بیاموزد تا هنگام نیاز، احساس ناتوانی‌اش مانع تلبّس نشود.

شاید بتوان برخی از حد نصاب‌های مورد نیاز یک روحانی برای تلبّس را

این‌گونه برشمرد:

صحت قرائت نماز؛

شناخت کافی نسبت به احکام و اختلاف فتوا؛



شناخت اجمالی نسبت به فقه و استدلال‌های فقهی؛
آشنایی اجمالی با زندگی نامه‌ی پیامبران و معصومین علیهم‌السلام؛
شناخت اجمالی نسبت به قرآن کریم و منابع روایی و تفسیری؛
آشنایی با خط و مشی‌ها و مبانی سیاسی اسلام و انقلاب؛
آشنایی نسبت به موضوعات دینی و مباحث اجتماعی اسلام؛
آشنایی اجمالی با مبانی تربیتی و اخلاقی؛
آشنایی با روش سخنرانی و کلاس‌داری و فنون مرثیه‌خوانی و تبلیغ؛
آشنایی با مناسبت‌های مذهبی و انقلابی؛
مخاطب‌شناسی؛
آشنایی اجمالی با شعر و ادبیات و داستان؛
دارا بودن اطلاعات عمومی مناسب؛
آشنایی اجمالی با کامپیوتر و نرم‌افزارهای دینی؛
مهارت بستن عمامه و ...



تغییر مسیر با شیب تند

همه می‌دانیم اگر قرار باشد به صورت دفعی در زندگی انسان تغییر مسیری اتفاق بیفتد، این تغییر می‌تواند سخت و شکننده باشد.

تلبس برای کسانی که بدون زمینه‌سازی و آمادگی قبلی، آن را انتخاب می‌کنند، در واقع يك تغییر با شیب زیاد است و شاید بتوان یکی از دلایل مشکل بودن تلبس برای این دسته از طلاب را همین علت برشمرد.

از آن‌جا که برخی از طلاب، از ابتدای طلبگی در پوشش و وضع ظاهری خود دقت لازم را ندارند و گاهی مثل همسالان خود در جامعه لباس می‌پوشند (و به قول معروف تیپ می‌زنند) و با همان وضعیت در مجامع و محافل فامیلی حاضر می‌شوند، وقتی زمان تلبس‌شان فرا می‌رسد، نمی‌توانند پوشش و وضع ظاهری خود را به یک‌باره تغییر دهند؛ از این‌رو تغییر یک‌باره پوشش آن‌هم تغییری جدی و اساسی به شدت برایشان دشوار می‌شود.

برای این افراد، پذیرش تلبس و اعلام رسمی ورود در جرگه معممین، مانند شکستن بتی است که سال‌ها آن را می‌پرستیده‌اند و به همین دلیل، احساس می‌کنند «تلبس» برایشان محدودیت ایجاد می‌کند و آزادی‌شان را سلب می‌نماید.



به نظرمی رسد یکی از راه‌های پذیرش آسان و تسهیل در قبول تلبس، این است که طلبه از همان سال‌های نخستین تحصیل در حوزه، پوشش و ظاهر و حتی تکیه کلام‌هایش را طلبگی انتخاب کند تا در آینده، تلبس و پذیرش نقش روحانیت برایش آسان باشد.



بعد از اصلاح این موارد، لباس بپوشیم

با توجه به اهمیت و قداست لباس روحانیت، افرادی که قصد تلبس دارند، ابتدا باید موانع درونی موجود را تا حد امکان برطرف کرده و شرایط و آمادگی نسبی را در خود ایجاد کنند. از جمله موانع تلبس، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

انگیزه‌های مادی و غیرالهی در تلبس؛

سوء خلق قابل توجه؛

ناراحتی‌های روحی و عصبی؛

ضعف و ناتوانی علمی؛

رفاه طلبی و تجمل‌گرایی؛

ناتوانی در کنترل نگاه و شهوت؛

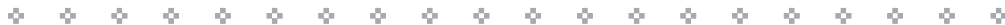
بی‌انگیزگی در اصلاح باطن و ظاهر؛



لباس اهل علم یا لباس اهل علم و عمل

عده‌ای قبل از تلبّس یا حتی بعد از آن نیز فکر می‌کنند که به صرف پوشیدن این لباس، از گناه و اشتباه و خطا مبرا می‌شوند و همراه با تلبس، تقدس و اخلاق به ایشان تزریق می‌شود و به اصطلاح مقدس و متخلق می‌گردند؛ به همین دلیل، بعد از اقدام به تلبّس، شأن خودشان را بسیار بالا می‌بینند و توقعاتشان سر به فلک می‌گذارد و دیگر در پایین مجلس نمی‌نشینند و با کودکان و نوجوانان سخن نمی‌گویند و همه را خادم و چاکر خود می‌خواهند و هیچ کوتاهی و اشتباهی را از دیگران نمی‌پذیرند.

عده‌ی دیگری نیز آن قدر تلبس را ساده و بی‌ملاحظه می‌انگارند که در رفتار و کردار قبل و بعد از تلبّسشان، هیچ تفاوتی احساس نمی‌شود و احترام و شأن لباس را حفظ نمی‌کنند و لباس اهل علم و عمل را می‌پوشند، ولی از عمل خبری نیست. واقعیت این است که لباس روحانیت، برازنده‌ی کسانی است که خودشان را از لحاظ علمی و اخلاقی برای پوشیدن این لباس آماده‌کنند. بگذریم از کسانی که این عدم آمادگی را بهانه کرده‌اند برای نپوشیدن لباس...!



فرد ملبّس، باید روحانی باشد

نماز اول وقت، نماز مستحبی، نماز شب، نیایش، توسل، اشک و زاری، توکل، اخلاص، تقوی، تواضع، صبر، حلم، ادب، احترام به حقوق دیگران، قرائت قرآن و ادعیه، صله‌ی رحم و پرهیز از غیبت، تهمت، دروغ، لقمه‌ی شبهه‌ناک و...، برخی از حداقل‌های اخلاقی لازم برای پوشیدن لباس مقدس روحانیت هستند.

اگر فرد ملبّس، روحانی نباشد؛ یعنی ملزم به تمکین در مقابل قانون و شرع نباشد؛ شئون و آداب را رعایت نکند، همراه با علمش حلم نداشته باشد و زود غضبناک شود؛ اهل صله‌ی رحم نباشد؛ دنیا برایش مهم‌تر از آخرت یا هم‌وزن آن باشد و به جسم و نیازهای آن، بیش از روح و نیازهای آن اهمیت بدهد، دیگر چگونه خواهد توانست نام محترم و مقدس روحانی را به دوش بکشد؟

بزرگی می‌گفت: روحانی باید حتی در انتخاب خودرو، مسکن، محله، وسایل منزل، پوشش فرزندان و... نیز روحانی باشد.

و چه زیباست زمانی که علم و معنویت در وجود عالمان دینی سکنی گزینند، در این هنگام است که می‌توان آرام‌ترین، متین‌ترین، مؤمن‌ترین، متقی‌ترین و محبوب‌ترین افراد را در این قشر یافت.



در این هنگام است که اسم و مستی با هم همخوانی و سازگاری دارند.
بنابراین در یک جمله: روحانی باید واقعاً در همه شئون روحانی باشد.



طیب دَوّار

درست است که معمولاً تشنگان به دنبال سقایان؛

و نیازمندان به دنبال اغنیا؛

و بیماران به دنبال اطباء هستند؛

اما سیره پیامبر اکرم ﷺ متفاوت از دیگران بود و ایشان «طیبٌ دَوّارٌ یَطِئُه»^۱ بودند؛

یعنی به دنبال جاهلان و ضعیفان و بیماران روحی می‌گشتند تا مانند باران، کویر تشنه وجودشان را سیراب کنند، سخاوتمندانه داریی شان را به مستمندان ببخشند و با رأفت و رحمت دانششان را به مردم هدیه کنند.

و اگر قرار است امروز علما، دانشینان پیامبر و یاوران انبیا: باشند،^۲ باید مشتاقانه

به دنبال نیازمندان اعتقادی و معنوی و حتی مادی جامعه بگردند و فیض بخشی و

۱... و مِنْهَا طَیِّبٌ دَوّارٌ یَطِئُه...؛ او (پیامبر) پزشکی است که با طیبِ خویش پیوسته در گردش است، داروها و مرهم‌های خود را به خوبی آماده ساخته و ابزار داغ کردن را (برای سوزاندن زخم‌ها) تقطیده و گذاشته کرده است تا بر هر جا که نیاز داشته باشد، بگذارد؛ بردل‌های کور، برگوش‌های کر، بر زبان‌های گنگ، او با داروهای خویش، بیماران غفلت زده و سرگشته را رسیدگی و درمان می‌کند، همان‌هایی که از فروغ حکمت بهره نگرفته و اندیشه‌ی خود را به انوار دانش‌هایی که اعماق جان را روشنی بخشد، تابان و فروزان نکرده‌اند. (نهج البلاغه، خ ۱۰۸)

۲. پیامبرگرمای اسلام ﷺ فرمودند: الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَ خُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ زُرْنَسَى وَ زُرْنَسَى وَ زُرْنَسَى؛ علما چراغ‌های هدایت (بشروری) زمین و جانشینان پیامبرانند. آنان وارث من و وارث پیامبرانند. (کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳۴)



جرعه‌نوشانی و دستگیری کنند و هر جا احساس کردند باری بر زمین مانده است، وارد شوند و انجام وظیفه نمایند.

بنابراین يك روحانی باید بعد از پوشیدن لباس تخصص و تعهد، در جست‌وجوی دردها و مرهم نهادن بر زخم جان‌های مردمان جامعه باشد و از هیچ اقدام و کوششی در این راه دریغ ننماید.



روحانیت و فعالیت اقتصادی

طلبه ای می گفت: انگار از ابتدای خلقت، قالب ما را برای طلبگی ریخته اند و ما دست به هر کاری غیر از طلبگی می زنیم، خراب از آب درمی آید؛ و مثال می زد که ما مثل پیچ گوشتی شش سوپی هستیم که هیچ پیچی غیر از پیچ شش سورا باز نمی کند و اگر برای باز کردن پیچ دیگری استفاده شود، یا پیچ را از بین می برد یا خودش ساییده می شود!!

ورود به عرصه فعالیت های لیز و لغزنده اقتصادی و خدای نکرده زدو بندهای مالی برای طلبه و روحانی، حتی با اهداف خیر، اغلب اوقات نتایج زیان باری را در پی دارد. با جست و جویی اندک در حوزه، روحانیانی را می بینیم که با هدف کسب سود و درآمد، در شرکت های مضاربه ای و امثال آن وارد شده اند؛ ولی بسیاری از آن ها اندک سرمایه و پس اندازی را هم که داشتند، از دست داده اند و دست از پا درازتر و بدهکارتر از قبل، از دنیا مانده و از درس و بحث رانده، با آه و افسوس روزگار می گذرانند.

به تجربه ثابت شده است که ورود طلاب و روحانیان به عرصه کسب سود از فعالیت های اقتصادی، نتیجه ای مطلوبی نداشته و در غالب موارد به خسارت فراوان و از بین رفتن آبروی فرد و بدبینی مردم نسبت به روحانیت انجامیده است. مهم ترین که، لازمه ای موفقیت و رشد در هر فعالیت اقتصادی، صرف وقت و



انرژی فراوان و مشغولیت فکری و ذهنی دائمی است و اگر طلبه‌ای وارد این وادی شد؛ یعنی دیگر فرصتی برای تحصیل و درس و بحث و تبلیغ نخواهد داشت و شب و روز دغدغه‌اش مدیریت امور مادی خواهد شد و این یعنی به قول معروف: «ما قُصِدَ لَمْ يَفْعَ و ما وُقِعَ لَمْ يُقْصَد».



موضع درست در مقابل برخورد های غلط

ممکن است طلبه‌ای در برابر نیش و کنایه‌های مردم و اطرفیان دچار احساس سرخوردگی و یأس بشود، اما در مواجهه با این موقعیت‌ها باید توجه داشت که طلبگی و توفیق سربازی امام علیه السلام هزینه‌بر و همراه با رنج و سختی است و به قول معروف:

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

و هرگز بدون رنج و سختی نمی‌توان به گنج عظیم معنوی دست یافت و لذت سربازی امام معصوم را چشید.

علاوه بر این، باید توجه داشت که سهم متلك، نیش، کنایه و احیاناً بی‌احترامی‌ها نسبت به تکریم، احترام و همراهی‌ها با روحانیت متعهد اصلاً قابل مقایسه نیست. تاریخ اسلام و حتی دیگر ادیان الهی همواره شاهد آزار و اذیت‌ها، کنایه‌ها و متلك‌ها و جسارت‌های فراوان به مبلغان و مفسران کتاب‌های آسمانی بوده است؛ زیرا بسیاری از نفوس در برابر حرف حق و سخن مصلحان، نه تنها سرتسلیم فرود نیاورده‌اند، بلکه بیش از پیش بر عناد و دشمنی خویش پافشاری کرده‌اند. چنان‌چه بر سر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خاکستر ریختند و دندان مبارکشان را شکستند.



به امام حسن علیه السلام زخم زبان زدند و زهر نوشانیدند، امام حسین علیه السلام و یاران بزرگوارش را بالب تشنه به شهادت رساندند و چه جسارت‌ها که به اهل بیت علیهم السلام ایشان روا نداشتند و... این سختی‌ها و تلخی‌ها و جسارت‌ها تا زمانی که جنگ حق و باطل هست، ادامه دارد، اما نکته‌ی مهم آن است که سیره‌ی پیامبران و اهل بیت علیهم السلام در این موقعیت‌ها چه بوده است؟

آیا در برابرنیش و کنایه‌ها و تلخی‌ها ناامید می‌شدند و با مردم قطع رابطه کرده و گنج انزوا برمی‌گزیدند یا تا جایی که مقدور بوده با سعی صدر هتاک‌ها را تحمل کرده و در خفقان ظلم و جور، دین خدا را ترویج می‌نمودند؟

پس ترس از این‌که کسی زخم زبانی بزند یا متلکی نثار کند، مجوز انزوا و کناره‌گیری از تلبّس و تبلیغ دین خدا نمی‌شود.



تلبس زودهنگام

انتخاب های شتاب زده و از سرشور و احساسات می تواند آفات و آسیب های زیادی در پی داشته باشد؛ به ویژه انتخابی که همراه با پیامدهای اجتماعی باشد. برخی از طلاب علاقه مند در پایه های درسی پایین، اقدام به تلبس می کنند، غافل از این که طلبه ای که هنوز بر احکام مسلط نیست، قرائت نمازش صحیح نیست، ادبیات عرب را کامل نخوانده، فقه را فهم نکرده، بلوغ فکری و قدرت تحلیل ندارد و در ترجمه و تفسیر و تحلیل يك روایت، ناتوان است، نمی تواند لباسی را بپوشد که مردم از آن توقع علم و تهذیب و پاسخ گویی به سؤالات اعتقادی و مسایل ریز و درشت دینی شان را دارند. وقتی طلبه ای زودهنگام این بار سنگین را به دوش می گیرد، به دلیل ناتوانی و ناپختگی، به زودی دچار احساس یأس و ناامیدی می شود و چه بسا این مسأله، سبب دل زدگی مردم و نزدیکان طلبه از روحانیت، دین و ارزش های دینی بشود. بنابراین، به همان اندازه که پوشیدن لباس برای افراد دارای شرایط، نکوهیده و مسئولیت آور است، به همان میزان، پوشیدن لباس برای افرادی که آمادگی علمی و اخلاقی حداقلی را فراهم نکرده اند، محل خطر است.



مستثنیات تلبس

در موقعیت‌ها و مواردی مثل باشگاه ورزشی، کوهنوردی و... که فرد نمی‌تواند لباس رسمی روحانیت به تن کند، شایسته است با لباس و پوششی متین و وزین بیرون بیاید و با مراقبت از رفتار و گفتارش، نسبت به طلبه و روحانی بودن خویش ملتزم باشد.

راستی یادمان نرود که با توجه به ضرورت درک موقعیت طلبگی، طلبه‌ای که قصد ازدواج دارد، حتماً با لباس روحانیت به خواستگاری برود یا حداقل قبل از خواستگاری، قصدش برای پوشیدن لباس را ابراز کند تا در آینده دچار مشکل نشود.



پدیده دوزیستی

یکی از عوامل ناکامی و عدم موفقیت، تردید و دوگانگی در تصمیم‌گیری است. سرگردانی و درجا زدن، کند حرکت کردن و مُردابی زیستن، تن دادن به تصمیم دیگران، پذیرش بی‌چون و چرای شرایط اجتماعی و... از نتایج تردید و دوگانگی در تصمیم‌گیری است.

برخی، لباس روحانیت را فقط در اماکن و مجالس رسمی می‌پوشند و در مواقع دیگر، به آن ملتزم نیستند و به اصطلاح، دوزیست ادامه‌ی حیات می‌دهند؛ یک زیست با لباس روحانی و زیست دیگر با پوشش بقیه‌ی مردم. ضعف‌انگیزه، کم‌شدن میزان موفقیت، تغییردید و بدبینی دوستان و نزدیکان و تغییر ذائقه‌ی خانواده را می‌توان از عوارض دوزیستی و دولباسی بودن برخی از طلاب دانست. کسی که مسیر طلبگی را انتخاب کرده و جوانی و عمرش را به پای آن گذاشته، باید تکلیفش را با خودش روشن کند و در تصمیمش تردید به خود راه ندهد و با اعتماد به نفس و قوت و قاطعیت بر راه و لباسی که انتخاب کرده، ثابت قدم بماند و بر این هدف مقدسی که انتخاب نموده، افتخار کند و بر آن ببالد.



تفاوت شیک‌پوشی و تمیزی

مرتب بودن و تمیزی از شئون روحانیت است و با توجه به تأکید فراوان دین و بزرگان دینی مبنی بر رعایت نظافت و پاکیزگی، يك عالم دینی (که نماد عمل به آموزه‌های دینی است) باید در کنار رعایت واجبات و مستحبات، شئون لباس را نیز رعایت کند و آراسته باشد.

باید توجه داشته باشیم که بین تمیزی و شیک‌پوشی تفاوت قابل توجهی وجود دارد؛ یعنی درست است که مردم و به خصوص نسل جوان، روحانیان مرتب و تمیز را دوست دارند و راحت‌تر با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؛ ولی معمولاً در ارتباط‌گیری با يك روحانی شیک و گران‌پوش مشکل دارند و برایشان ذهنیت‌های خاصی تداعی می‌شود. بنابراین تعادل در رعایت ظاهر را به خاطر داشته باشیم.





وسوسه‌ها
و
موانع موجود

آیا تبلیغ منحصر در لباس روحانیت است؟

سؤالی که برخی از طلاب برای فرار از تلبّس مطرح می‌کنند، این است که مگر تبلیغ منحصر در پوشیدن لباس است و مگر قرار است هر کس می‌خواهد برای دین خدمت کند، باید لباس روحانیت داشته باشد؟!

پاسخ بسیار ساده است: البته که تبلیغ و خدمت به دین، منحصر در پوشیدن لباس روحانیت نیست و می‌توان با روش‌های مختلف این کار را انجام داد؛ اما روی سخن ما در این جا طلاب علوم دینی است، نه هر کسی؛ بنابراین در این جا مسأله متفاوت می‌شود و سؤال این است که آیا سزاوار است طلبه‌ای پس از سال‌ها بهره‌مندی از بیت‌المال و امکانات حوزه و ارتزاق از سهم امام زمان علیه السلام و نیاز فراوان کشور و جهان اسلام به روحانی ملبس کارآمد، دل به توجیهات و وسوسه‌ها بسپارد و از انجام وظیفه شانه خالی کند؟!

آیا غیر از این است که خواهش دل خود را بخواست امام زمان علیه السلام ترجیح داده است؟! آیا غیر از این است که در این شرایط بسیار حساس و دشمنی‌های فراوان علیه اسلام و تشیع و روزگار تنهایی و غربت حضرت مهدی علیه السلام ندای «هَلْ مِنْ ناصِرٍ يَنْصُرُنِي» حضرت را بی‌پاسخ می‌گذارد؟!



آیا غیر از این است که این افراد، از اصل تبلیغ دین و انجام رسالت طلبگی
خویش با لباس نماد تشیع گریزانند؟!
آیا غیر از این است که نمی خواهند هزینه‌ی دینداری و طلبگی شان را بپردازند؟!
آیا غیر از این است که نمی خواهند سختی‌های پوشیدن لباس را تحمل
نمایند؟!
آیا، آیا و آیا...؟!



استواری در عقیده

ممکن است يك جمله‌ی منفی از طرف همسر، دوستان، هم‌کلاسی‌ها، آشنایان یا هم‌محلّه‌ای‌ها در مورد روحانیت، تأثیرهای منفی و ماندگاری در ذهن شما بر جای بگذارد و شما را نسبت به تلبّس بی‌انگیزه نماید.

اما وقتی می‌دانید که:

احیای معارف حقّه‌ی تشیّع؛

ترویج معارف دین اسلام؛

ترویج و گسترش فرهنگ انتظار؛

اصلاح رذایل اخلاقی و مبارزه با شیاطین؛

و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام، خواسته و مطلوب مولای توست؛

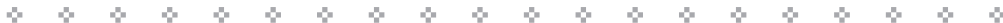
چه باک که نظر برخی، با خواست و نظر امام زمانت متفاوت باشد و عمدی یا

سهوی چیزی بگویند و حتی متلکی نثار کنند.

در این‌گونه مواقع یادت باشد که: مؤمن در عقیده‌اش مانند کوه استوار است و

طوفان‌های سهمگین نباید او را متزلزل کنند.^۱

۱. از رسول اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده است که: الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ لَا تُخَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ؛ مؤمن هم چون کوه (استوار و پابرجا) است و بادهای تند او را تکان نمی‌دهند. (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۵۱)



آیا اشتباه، مجوز اشتباه است؟

متأسفانه عملکرد نادرست تعداد اندکی از روحانی‌ها سبب شده است که عده‌ی دیگری از طلاب، نگاهشان به تلبس منفی شده و از پذیرش آن گریزان باشند! غلط بودن این نتیجه‌گیری منفی و نگاه مایوسانه، بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا اشتباه دیگران نمی‌تواند مجوز اشتباه ما باشد و کسی که قصدش رشد و کمال است، باید از اشتباه‌ها و خطاهای دیگران درس بگیرد و توجه داشته باشد که اگر این ضعف در درون خود او هم وجود دارد، آن را برطرف کند و اگر در دیگری است، برای اصلاح آن تلاش کند. در نگاه دینی، هر چه بدی و پلیدی بیشتر شود، وظیفه‌ی مؤمنان و مصلحان سنگین‌تر می‌شود؛ از این رو اگر فرد ملتسی با اشتباهاتش به شأن و جایگاه روحانیت آسیبی رساند، بر دیگر روحانیان فرض و لازم می‌شود که با عملکرد و رفتار درست خود، پیامدهای اشتباه او را از بین ببرند و نگاه دیگران به روحانیت را اصلاح کنند، نه این‌که زانوی غم بغل گرفته و گوشه‌ی عزلت بگزینند و این مسأله را بهانه لباس نپوشیدن خودشان قرار دهند!



توجه‌ها

من برای تبلیغ دین اسلام آماده نیستم، من توانش را ندارم!

من خجالتی هستم و رویِ تلبّس و تبلیغ را ندارم!

من صلاحیت اخلاقی کافی برای این مسئولیت بزرگ را ندارم!

از من بهتر فراوانند و کاری نمی‌کنند!

من کجا و شهید اول و ثانی، شیخ طوسی و علامه طباطبایی و امام خمینی علیهم‌السلام

وامثال ایشان کجا. من لیاقت این لباس را ندارم!

خود آقا امام زمان علیه‌السلام باید عمامه بر سرم بگذارند!



پاسخ توجیه‌ها

اگر آماده نیستی، آماده شو؛ اگر توان لازم را نداری، به دست آور. اگر خجالتی هستی و روی تلبس و تبلیغ نداری، تمرین کن. اگر صلاحیت اخلاقی کافی را نداری، در تهذیب نفس بکوش و صلاحیت لازم را به دست آور.

ممکن است از تو بهتر هم باشند، ولی روز پاسخگویی، سؤال هیچ کسی را فرد دیگری پاسخ نخواهد داد و از هر کسی از وظیفه‌ی خودش سؤال خواهد شد. ممکن است تو مانند شهید اول و شهید ثانی و علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیهم) و امثال این بزرگواران نباشی، ولی بدان که: اولاً راه بزرگ شدن بسته نیست و اگر همان مسیر و همان روش بزرگان را بپیمایی، به طور قطع به همان مقام میرسی و ثانیاً تکلیف الهی به اندازه‌ی توان هر کس است و به همان اندازه که توان داری، تکلیف متوجه تو است که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى».

پس به جای بهانه جویی، بکوشیم زمینه‌ها را فراهم کنیم و حواسمان باشد که تردیدها و وسوسه‌ها وسیله‌ی فرار از انجام رسالت و وظیفه نشوند.



وسوسه‌ها

فضای جامعه پُر از فساد و گناه شده و از دست ما طلبه‌ها هم دیگر کاری ساخته نیست. خود آقا باید بیاید کارها را درست کند!
خیلی از مردم تمایلی به پذیرش مسائل دینی ندارند!
و ما نیز نمی‌توانیم چیزی را تغییر دهیم؛ زیرا نه مردم پذیرش دارند و نه صاحب کرامت و نفس عیسوی هستیم که بتوانیم معجزه کنیم!
بنابراین پوشیدن این لباس سودی ندارد!



پاسخ و سوسه‌ها

چه کسی گفته است که تمام فضای جامعه را فساد و گناه فراگرفته است؟! شاید برخی گناهان نسبت به گذشته، علنی‌تر و برخی از مردم جرأت و جسارتشان نسبت به انجام گناه بیشتر شده باشد، اما هنوز هم خوب‌ها، بیشتر از بدها و پاکان، فراوان‌تر از آلودگان هستند و بلکه حتی قابل مقایسه نیستند.

البته از آن‌جا که گناهکاران نمایش و نمود بیشتری دارند، به نظرمی‌رسد که جمعیتشان فراوان‌تر است.

مهم این است که بدهای جامعه ذاتاً بدسرشت و شریر آفریده نشده‌اند و گناهکاران نیز راه توبه و بازگشت به رویشان باز است و چه بسیار افراد خطاکاری که با شنیدن سخنرانی یک عالم دینی و نصیحت یک طلبه دلسوز، از مسیر اشتباه و خطا بازگشته و توبه کرده‌اند.

حتی اگر قبول کنیم که جمعیت گناهکاران زیادتر باشند، باز هم از روحانیت سلب مسئولیت نمی‌شود، بلکه به همان میزان که گناهکاران زیاد شوند، وظیفه‌ی روحانیت نیز سنگین‌تر می‌شود و نیاز به تلاش، بیشتر!

در خصوص پذیرش مسائل دینی توسط مردم نیز واقعیت این است که نیاز و



گرایش به معنویت، امری فطری است.

بنابراین پذیرش مردم برای معنویت فراوان است و آنقدر تشنه‌اند که اگر آب زلالی بیابند، به طرفش هجوم می‌برند؛ زیرا هرچه هوا گرم‌تر و سوزنده‌تر باشد، نیاز به آب زلال بیشتر احساس می‌شود؛ چنانچه هرچه هوا آلوده‌تر شود، نیاز به اکسیژن بیشتر احساس می‌شود.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌دانستند به یقین از ما پیروی می‌کردند.^۱

در مورد این وسوسه که مادم عیسوی نداریم تا افراد فاسد جامعه را تغییر دهیم،

هم پاسخ این است که اصلاح و هدایت به دست خداست.^۲

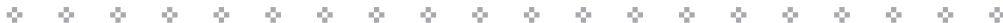
چه بسا اگر ما با اخلاص در پی هدایت یا اصلاح کسی قدم برداریم، خداوند

متعال نیز در کلام و رفتار ما تأثیر قرار دهد و دم عیسوی هم عنایت کند که گفته‌اند:

۱. سَلِيمَانَ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَزْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا، فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يُحْيِي أُمَّرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَابِسَ كَلَامِنَا لَأَتَّبَعُونَا. (شیخ عباس قمی، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷)

۲. ... تُضَلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدَى مَنْ تَشَاءُ... هر که را بخواهی به وسیله آن گمراه و هر که را بخواهی هدایت می‌کنی.

(اعراف، ۱۵۵)



فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آن چه مسیحا می‌کرد

لباس روحانیت در هر زمان و شرایطی کارآیی خودش را دارد و این ما هستیم که

باید مواظب وسوسه‌های شیطانی باشیم.



دستاویزهای فرار از مسئولیت

هرچند نمی‌توان برای رفتارهای مشابه افراد، یک علت واحد را برشمرد؛ اما می‌توان با بررسی رفتار غالب آنان، رفتارشان را تحلیل کرد.

بنابراین شاید بتوان گفت اهمّ علل مشکل بودن یا عدم قبول تلبّس از طرف طلاب این موارد است که همه‌ی این موارد با اندکی تأمل و توجه به جایگاه ارزشمند طلبگی و سربازی امام عصر علیه السلام پاسخ داده می‌شود.

توجه بیش از حد به تلقین‌ها و نظرات منفی آشنایان؛

احساس ناکارآمدی لباس و عدم تأثیر؛

احساس ناتوانی و ناکارآمدی خود فرد؛

احساس محدودیت در ارتباط با دیگران؛

ترس از روبه‌رو شدن با مشکلات احتمالی؛

کم‌رویی و خجالت کشیدن از پوشیدن لباس روحانیت در برابر دوستان و آشنایان

و در مهمانی‌ها؛

تصمیم بر اشتغالات غیر طلبگی؛

احساس سختی به دلیل پنهان ماندن طلبگی فرد از دید اجتماع تا قبل از زمان تلبّس؛



مخالفت خانواده یا دوستان؛
ترس از آینده شغلی، مالی، معیشتی و...
نقطه‌ی مشترک تمام این موارد، آن است که همه، بیشتر اسباب توجیه
هستند تا دلیل.





توقّعات

توقعات درست مردم از روحانیت

امروز شاید توقعات درست و غلط مردم از روحانیت فراوان باشد و متعدد؛ اما در این مقال می‌کوشیم با هم بخشی از توقعات درست مردم و حوزه را از یک روحانی ملتبس مرور کنیم:

مردم توقع دارند قرائت قرآن و حمد و سوره و اذکار نماز یک روحانی صحیح و نیکو باشد؛

مردم انتظار دارند روحانی، دعاهای مأثوره را زیباتر و بهتر از مردم قرائت نماید؛ مردم توقع دارند یک روحانی در هنگام قرائت دعا بتواند متن آن را به راحتی و درست ترجمه کند؛

مردم توقع دارند یک روحانی احکام مورد ابتلای عموم مردم را بداند و تا حدودی از احکام اختلافی نیز آگاه باشد؛

مردم توقع دارند یک روحانی در گفت‌وگوها و سخنرانی‌هایش، به وفور و به درستی از آیات و روایات استفاده کند؛

مردم و به‌ویژه جوانان انتظار دارند روحانی از علوم روز بهره‌مند و به قول معروف به‌روز باشد؛



مردم انتظار دارند روحانی اهل مطالعه، تحقیق، نوآوری و استنباط بوده و مطالب تکراری کمتری داشته باشد؛

مردم توقع دارند یک روحانی با اصول و کلیات تاریخ اسلام آشنا باشد؛

مردم توقع دارند یک روحانی به تاریخچه و زندگی معصومین: مسلط باشد؛

مردم توقع دارند یک روحانی درباره‌ی مناسبت‌های ملی و مذهبی اطلاعات مفید داشته باشد؛

مردم توقع دارند یک روحانی از اخبار و مسائل روز و تحلیل سیاسی آگاهی داشته باشد؛

مردم توقع دارند یک روحانی دارای بصیرت سیاسی باشد؛ ولی اهل سیاسی‌کاری و سیاست‌زدگی نباشد؛

مردم از یک روحانی انتظار دارند که با قرآن و نیز کتاب‌های اخلاقی، مانند معراج‌السعادة، چهل حدیث حضرت امام علیه السلام و... مأنوس باشد؛

مردم از یک روحانی انتظار دارند آراسته و معطر باشد؛

مردم از یک روحانی انتظار دارند منظم باشد و برای حضور در مسجد از دیگران سبقت بگیرد؛



مردم از یک روحانی توقع دارند اهل وفای به عهد و نسبت به قول و قرارهایش پایبند باشد؛

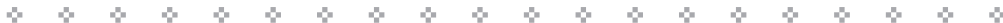
مردم از یک روحانی توقع دارند آمادگی لازم برای پاسخ‌گویی به مسایل دینی مردم را داشته باشد و با حضور ذهن کافی، حداقل هشتاد درصد نیازهای دینی و پرسش‌های آن‌ها را پاسخ دهد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند قرائت نماز يك روحانی دل‌نشین و مناسب باشد، نه تند و شتاب‌زده؛

مردم از یک روحانی توقع دارند اصلاح سر و صورت و محاسنش در شأن روحانیت باشد و از داشتن موی بسیار بلند یا تراشیدن غیرمعارف محاسن خود اجتناب کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند عمامه خود را متناسب و زیبا ببندد؛
مردم توقع دارند يك روحانی ملبس را بدون لباس در اماکن عمومی مشاهده نکنند؛
مردم از یک روحانی توقع دارند حرکات و سکنات و نوع راه رفتن و خندیدن و گفتن و شنیدنش با عموم مردم متفاوت باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند اهل ذکر، معنویت، آرامش و امیدبخشی باشد؛



مردم توقع دارند يك روحانی برای خارج شدن از مسجد تعجیل نکند؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند نمازش با اذان و اقامه و تعقیبات همراه باشد؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند بعد از نماز جماعت دقایقی را در مسجد بماند و
 محفل انس داشته باشد؛
 مردم از یک روحانی انتظار دارند به هیئت امناء و زحمت‌کشان مسجد احترام بگذارد؛
 مردم از یک روحانی انتظار دارند عقیف و باحیا باشد و در هنگام صحبت با
 نامحرم سر به زیر بوده و چشم در چشم او نیندازد؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند در برابر توهین دیگران، اقدام به توهین متقابل ننماید؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند اهل ایثار باشد و مثلاً در رانندگی، حق تقدمش را ایثار کند؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند در حد متعارف، اهل مزاح و مطایبه باشد؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند روحانی باشد؛ یعنی مقید به رعایت امور معنوی
 و روحانی و انجام مستحبات در کنار واجبات باشد؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند در برابر تبلیغ دین و انجام رسالت طلبگی اش
 چشم‌داشتی از مردم نداشته باشد؛
 مردم از یک روحانی توقع دارند برای سخنرانی و روضه‌خوانی هر چه دادند،



بپذیرد و نرخ تعیین نکند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند گفتار و کردارش یکی باشد و بیش از آن چه می‌گوید، از او عمل ببینند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند اهل گریه و اشک و ندبه باشد و هنگام روضه خوانی خودش هم متأثر باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند اهل صله‌ی رحم، سرزدن به بیماران و گرفتاران اهل مسجد و محله باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند قبل از توصیه‌ی امور خیریه دیگران، خودش پیش قدم باشد؛ یعنی اگر قرار است مسجد تمیز شود، ابتدا خودش آستین‌ها را بالا بزند و شروع کند؛ مردم از یک روحانی توقع دارند در عین وقار، با جوانان و نوجوانان انس داشته باشد و آن‌ها را جذب کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند حرمت روحانیت را نگه دارد و برای اقامه نماز جماعت به علمای حاضر در مسجد تعارف نماید؛

مردم از یک روحانی جوان توقع دارند احترام پیشکسوتان را داشته باشد و بر آن‌ها مقدم نشود؛



مردم از یک روحانی توقع دارند برای نماز صبح هم در مسجد حاضر شود؛
مردم از یک روحانی توقع دارند قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کرده و با
سرعت غیرمجاز رانندگی نکند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در پمپ بنزین، نانواپی و... صف را رعایت کند.
مردم از یک روحانی توقع دارند در آبادانی محله مشارکت داشته باشد؛
مردم از یک روحانی توقع دارند ادب و نزاکت فرزندش بهتر از بچه‌های دیگر باشد؛
مردم از یک روحانی توقع دارند در مواجهه با مردم با همه یکسان احوال‌پرسی
کند و به کودکان توجه ویژه داشته باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند هنگام اذان هر جا که باشد، خود را به نزدیک‌ترین
مسجد و نماز جماعت برساند و در ساعات نماز در خیابان مشغول امور شخصی نباشد؛
توقع مردم از یک روحانی آن است که با رعایت آداب و لوازم، اهل امر به معروف
و نهی از منکر باشد؛

انتظار مردم از یک روحانی آن است که مدافع نظام اسلامی و ولایت فقیه باشد
و از تضعیف نظام پرهیز کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در پی حل مشکلات مسجد باشد، نه تشدید



اختلافات مردم و هیئت امناء؛

مردم از یک روحانی توقع دارند همانند مردم دست به جیب باشد و در امور خیر به اندازه وسعش مشارکت کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند اهل خانه و فرزندانش ساده زیست باشند نه دنیاگرا و تجملاتی؛

مردم از یک روحانی توقع دارند مسائل مربوط به متأهل ها را در جمع مجردها مطرح نکنند یا دست کم با ظرافت و پوشیده مطرح نماید؛
انتظار مردم از یک روحانی آن است که ملاحظه حوصله مخاطب را کرده و مختصر و مفید سخنرانی کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در اداره‌ی مسجد پویا و بانشاط باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در مجالس جشن و عزا و هیئت و به ویژه مجالس جوانان و نوجوانان شرکت نموده و آن ها را به حال خود رها نکند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در خصوص خرافات و افکار انحرافی آگاهی بخشی کرده و خود نیز دچار خرافات نشود؛

مردم از یک روحانی توقع دارند حامی مستضعفان باشد و حلقه اتصال



ثروت مندان با فقرا باشد و از هیچ اقدامی برای کمک به مستمندان دریغ نکند؛ توقع مردم از یک روحانی این است که از ظرایف، نکات بدیع، شعر، داستان و ظن نیز در سخنانش استفاده کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند با مبانی تربیتی اسلام آشنا باشد و کارهایش مبنای تربیتی دینی داشته باشد؛

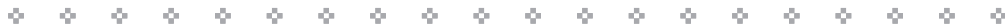
انتظار مردم از یک روحانی آن است که خوش حساب باشد و حساب و کتابش به مراتب دقیق تر از دیگران باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در شرایط سخت اقتصادی نعمت‌ها را به مردم یادآوری نماید و غم خوار مردم باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند از عزت و آبروی خود، برای حل مشکلات مردم استفاده کند؛

مردم از یک روحانی می‌خواهند بیش از حد ضرورت وقتش را در محافل و مراسم کم‌فایده نگذراند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند برای سخنرانی و روضه خوانی وقت بگذارد و مطالعه کافی داشته باشد؛



مردم از یک روحانی توقع دارند حامی و راهنمای نیروهای فرهنگی مردمی و خودجوش باشد و تا حد امکان با آنها همراهی و همکاری داشته باشد؛ مردم از یک روحانی توقع دارند ابتدا خانواده خود را امر به معروف نموده و اصلاح را از نزدیکان شروع کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در هر موقعیتی با روی باز پاسخ‌گویی نیازها و پرسش‌های مردم باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در اماکن عمومی با سعه‌ی صدر و بیان زیبا و محترمانه با مردم سخن بگویند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند اگر فقیری را دید، او را دست‌خالی رد نکنند؛ مردم از یک روحانی انتظار دارند در صورت نیاز دیگران به کمک، از خود رو پیاده شود و در حد توان کمک کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند با زندگی‌نامه و احوالات علمای اخلاق و بزرگان حوزه آشنا باشد و برای مردم بیان نماید؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در مناسبت‌ها و مجالس دینی، وقت قاری، مداح، سخنران بعدی و بقیه را رعایت کرده و طبق برنامه‌ریزی قبلی عمل کند؛



مردم از یک روحانی توقع دارند به مکان هایی که او را در معرض اتهام قرار می دهد یا در شأن روحانیت نیست، وارد نشود؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در سلام کردن بر دیگران پیشی بگیرد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند هنگام عبور از خیابان از محل عبور عابر پیاده و در زمان سبز بودن چراغ راهنما حرکت کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند از انداختن آب دهان در مکان های عمومی بپرهیزد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند با اعضای خانواده اش خوش اخلاق و مهربان باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند لباسش آن قدر بلند نباشد که روی زمین کشیده شود و آن قدر کوتاه نباشد که جلب توجه کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در مجامع عمومی، خنده های بلند و حرکات سبک نداشته باشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند از مشاجره بی ثمر با دیگران در مسائل بی ثمر خودداری کند؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در خرید لوازم منزل تجمل گرا نباشد؛

مردم از یک روحانی توقع دارند در خرید اقلام مورد نیاز منزل دقت کند تا مورد



سوء تفاهم از سوی اقشار محروم قرار نگیرد؛
مردم از یک روحانی توقع دارند ظاهرش تمیز و آراسته باشد؛ مثلاً دکمه قبا و آستین پیراهن خود را باز نگذارد و از پیراهن یقه‌دار در زیر قبا استفاده نکند؛
مردم از یک روحانی توقع دارند در مجامع عمومی با صدای بلند با گوشی همراه خود صحبت نکند؛
مردم از یک روحانی توقع دارند در حضور دیگران از اشتغال بیش از حد به تلفن همراه، بلوتوث‌بازی، پیامک‌بازی و... بپرهیزد؛
مردم از یک روحانی توقع دارند از آهنگ‌های مناسب و در شأن برای گوشی همراه خود استفاده کند؛
مردم از یک روحانی توقع دارند از مصافحه، دست دادن و خوش و بیش کردن با محارم در اماکن عمومی، که گاهی موجب سوءظن دیگران می‌شود، خودداری کند؛
مردم از یک روحانی توقع دارند از دویدن، با شتاب و عجله راه رفتن و بروز رفتارهای هیجانی شدید در مجامع عمومی بپرهیزد؛
مردم توقع دارند طلبه بدون مجوز اقدام به پوشیدن لباس روحانیت نکند؛
مردم توقع دارند طلبه گاه با لباس و گاه بدون آن دیده نشود؛



این‌ها بخشی از توقعات مردم از یک روحانی است.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِيُؤْتِكَ الْفَرَجَ





آئین نامہ تلبّس

آیین نامه تلبس طلاب و حوزه های علمیه

به منظور سامان دهی، رسمیت بخشی، حفظ و حراست از قداست لباس روحانیت و تشویق و ترغیب طلاب به امر تلبس، آیین نامه ی تلبس طلاب حوزه های علمیه به شرح ذیل تدوین گردید:

فصل اول: تعاریف و کلیات

ماده ۱. تلبس به لباس مقدس روحانیت، برای کلیه ی طلاب و روحانیان، صرفاً براساس ضوابط مندرج در این آیین نامه امکان پذیر است.

تبصره ۱: هرگونه تلبس به لباس روحانیت، برای افراد عادی ممنوع است.

تبصره ۲: تلبس به لباس مقدس روحانیت، برای طلاب فاقد پرونده از مرکز مدیریت حوزه های علمیه ممنوع است. این افراد موظفند پس از اخذ کد مرکز مدیریت حوزه های علمیه، نسبت به تلبس براساس ضوابط این آیین نامه اقدام نمایند.

ماده ۲. وظایف واحدهای مجری این آیین نامه، به شرح زیر است:

الف) معاونت تهذیب مرکز مدیریت حوزه های علمیه، مسئول برنامه ریزی، سامان دهی تلبس و نظارت بر حسن اجرای آن است.



ب) معاونت تهذیب مدیریت های حوزه ی علمیه ی استانی، مسئولیت تشکیل پرونده ی تلبّس، تأیید صلاحیت نهایی پس از استعلام صلاحیت های علمی و عمومی از واحدهای سازمانی مربوط و صدور مجوز تلبّس طلاب را به عهده دارد. ماده ۳. لباس روحانیت، عبارت است از عمامه، عبا و قبا که نشانگر برخورداری از تحصیلات دینی در حوزه های علمیه، پایبندی به ارزش های اسلامی و آمادگی ایفای نقش در جامعه ی اسلامی است.



فصل دوم: ضوابط و مقررات

ماده ۴. شرایط عمومی تلبس عبارتند از:

۱. داشتن حداقل ۱۸ سال سن؛
 ۲. داشتن وضعیت جسمی و روحی مناسب که در صورت نیاز و تشخیص ضرورت، از طریق آزمایش‌های پزشکی و روان‌شناختی، بررسی می‌شود.
 ۳. عدم عضویت و سابقه‌ی ارتباط با گروهک‌های انحرافی و گروه‌های مخالف اسلام و تشییع و نظام اسلامی؛
 ۴. عدم انحراف فکری و سیاسی و اخلاقی؛
 ۵. التزام عملی به اصل ولایت فقیه و قوانین جمهوری اسلامی؛
 ۶. نداشتن محکومیت کیفری و حقوقی مؤثر؛
- تبصره ۱: احراز شرایط مندرج در بندهای ۳، ۴، ۵، ۶، برعهده‌ی واحد سازمانی آمار و بررسی مدیریت‌های حوزه‌ی علمیه‌ی استانی خواهد بود.
- تبصره ۲: ملاک در احراز صلاحیت‌های عمومی افراد، حسب مورد، حال فعلی آنها خواهد بود.
- ماده ۵. شرایط علمی تلبس عبارتند از:



۱. اتمام پایه‌ی پنجم (قبولی در تمامی امتحانات مربوط) برای طلاب مدارس بلندمدت؛

۲. توان پاسخ‌گویی به سؤالات دینی رایج در جامعه؛

تبصره: احراز این شرط، با ارزیابی علمی - که محتوا و نحوه‌ی اجرای آن، توسط دستورات عمل مصوب مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه تعیین می‌گردد - صورت می‌پذیرد.

۳. گذراندن دوره‌ی ویژه‌ی مربوط به وظایف روحانیت در پایه‌ی پنجم، براساس دستورات عمل مصوب مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه؛

ماده ۶. شرایط اخلاقی و رفتاری تلبّس عبارتند از:

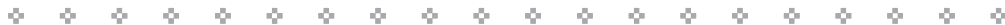
۱. پایبندی به انجام دادن واجبات و ترك محرمات؛

۲. دارا بودن حُسن اخلاق؛

۳. تعادل شخصیتی و رفتاری و تناسب ظاهری؛

۴. نداشتن سابقه‌ی سوء منافی با شئون روحانیت؛

تبصره: احراز شرایط مندرج در این ماده، برعهده‌ی معاونت تهذیب با همکاری واحد سازمانی آمار و بررسی مدیریت حوزه‌های علمیه‌ی استانی، براساس



- دستورالعمل مصوب مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهد بود.
- ماده ۷. طلاب متقاضی، پس از گذراندن دوره‌ی ویژه، تشکیل و تکمیل پرونده‌ی تلبس، احراز صلاحیت‌های لازم توسط معاونت‌های ذی‌ربط و دریافت مجوز تلبس، ملبّس به لباس مقدس روحانیت خواهند شد.
- تبصره ۱: معاونت تهذیب مدیریت‌های استانی، همه‌ساله، نسبت به برگزاری مراسم رسمی عمامه‌گذاری در کنار سایر مراسم‌ها، اقدام می‌نماید.
- تبصره ۲: معاونت تهذیب مدیریت‌های استانی، موظف است نسبت به صدور اوراق هویت تلبس برای دارندگان مجوز تلبس، اقدام نماید.
- ماده ۸. وظایف فرد ملبّس به لباس روحانیت، به شرح ذیل است:
۱. رعایت پوشش مناسب عرف روحانیت؛
 ۲. رعایت نظم، نظافت و پاکیزگی بدن و لباس و مرتب بودن سرو صورت متناسب با عرف روحانیت؛
 ۳. پرهیز از وضعیت ظاهری غیرمتناسب؛
 ۴. حفظ حرمت لباس در معاشرت‌های اجتماعی؛
 ۵. مراعات زیّ طلبگی در مجالس مختلف و پرهیز از حضور در محافل مختلط



که حدود شرعی در آن رعایت نمی شود.

۶. پرهیز از روحیه‌ی اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی و رعایت شئون روحانیت در وضعیت زندگی و مسکن و خودرو؛

۷. تلبس دائم؛

۸. رعایت اخلاق و آداب اسلامی و پرهیز از شوخی‌های افراطی و خلاف نزاکت؛

۹. پرهیز از درگیری‌های لفظی و فیزیکی غیرمتناسب با شئون روحانیت؛

۱۰. حفظ مناعت طبع و عزت نفس در تأمین معاش، و پرهیز از سوءاستفاده از لباس روحانیت برای مقاصد سوء؛

۱۱. پرهیز از ورود به عرصه‌های ناسالم اقتصادی مانند شرکت‌های هرمی؛

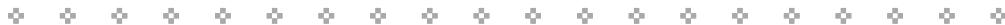
۱۲. پرهیز از ارتباط با گروه‌های معاند نظام اسلامی و عضویت در آنها؛

۱۳. پرهیز از انجام دادن رفتارهای وسواس‌گونه، به‌ویژه در خصوص طهارت و نجاست و اقدام به معالجه در صورت لزوم؛

ماده ۹. طلاب ملبس موظفند به صورت دائم از این لباس استفاده نمایند؛ به

نحوی که عرفاً، ملبس محسوب شوند.

ماده‌ی ۱۰. تلبس محصلان یا فارغ‌التحصیلان مراکز غیرحوزوی، ممنوع است.



ماده ۱۱. معاونت تهذیب مدیریت‌های استانی موظف است زمینه‌های لازم را برای تلبس طلاب مشغول به تحصیل در سطوح مختلف، از طریق اعمال تشویق‌های لازم، فراهم آورد.

ماده ۱۲. معاونت تهذیب حوزه‌ی علمیه‌ی استانی، موظف است در صورت فقدان شرایط مذکور در این آیین‌نامه، نسبت به لغو مجوز تلبس، اقدام نماید.

ماده ۱۳. امتیازات مربوط به ملبسان دائم، براساس آئین‌نامه‌های مربوط، تعیین می‌شود.

ماده ۱۴. این آیین‌نامه در ۱۴ ماده و ۸ تبصره، به تصویب شورای عالی حوزه‌های علمیه رسید.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه؛ [بی جا]، مطبعه سید الشهداء، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا؛ [بی جا]، کتاب فروشی اسلامی، ج ۱، ۱۳۹۶ق.
۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ منیة المرید فی آدب المفید والمستفید؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، [بی تا].
۶. طبری، محب الدین؛ مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام من [الریاض النضره]؛ بیروت: دار ذوالفقار، ۱۴۲۰ق.
۷. قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الانوار؛ قم: ج ۸، ۱۴۱۶ق.
۸. متقی، علی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ [بی جا]، موسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.
۹. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ [بی جا]، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].

